پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۱۹۵ـ۲۱۶ (مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

حذف به عنوان عامل انسجام متنی در برخی ادعیه صحیفهٔ سجّادیّه

عسگر مالک[۱]، محسن سیفی[۲]، علی بشیری[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۹ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۲۳)

چکیده

دستور نظام‌مند یکی از زیر مجموعه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا است که مایکل هلیدی و رقیه حسن این دستور را رشد و توسعه دادند و با هدف کاربردی کردن آن "نظریّه دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد" را مطرح نمودند. در این پژوهش عامل انسجام متنی حذف براساس نظریهٔ انسجام مایکل هلیدی، در شش دعای صحیفهٔ سجّادیّه (۲، ۲۱، ۲۵، ۳۷، ۵۰، ۵۲) به صورت تحلیلی، توصیفی و آماری مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که حذف قراین لفظی و معنایی در ساختار متن دارد که از طریق بخش‌ها و عناصر دیگر متن بازیابی می شود می تواند به عنوان یکی از عوامل انسجام متنی در صحیفه سجادیه لحاظ گردد. با توجّه به ارتباط نزدیکترِ امام سجاد (ع) به خداوندِ متعال و اصل اقتصاد زبانی، امام(ع) زبان خود را موجز و فشرده بیان کرده‌اند تا ارتباط و انتقال پیام و اجابت سریع و در کوتاه‌ترین زمان صورت گیرد. بنابراین جمله‌ها در صحیفهٔ سجّادیّه بیشترکوتاه و موجز است و این به خاطر تعجیل در ایجاد پیوند با خالق هستی و درخواست حاجت است.

کلید واژه‌ها: *زبان‌شناسی نقش گرا، حذف، انسجام متنی، صحیفهٔ سجّادیّه.*

۱. دانشجوی دکتری رشتهٔ زبان و ادبیّات عربی دانشگاه کاشان؛ malekaskar@yahoo.com
۲. استادیار زبان و ادبیّات عربی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛ motaseifi2002@yahoo.com
۳. استادیار زبان و ادبیّات عربی دانشگاه کاشان.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

مقدمه و بیان مسأله

علمی که به شناخت و بررسی زبان می‌پردازد زبان‌شناسی نامیده می‌شود. «زبان‌شناسی علمی است که برای مطالعه‌ی زبان به روش‌های علمی پدید آمده است. این دانش در آغاز قرن بیستم میلادی با دیدگاه‌هایی متولد شد که فردینان دوسوسور، زبان‌شناس سوئیسی، در نوشته‌ای به نام دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی معرّفی کرده بود. سوسور بر این باور بود که موضوع اصلی این دانش، خود زبان است و چون «زبان» نظامی از نشانه‌هاست، این دانش، بخشی از دانش کلّی‌تری را تشکیل می‌دهد که باید نشانه‌شناسی نامیده شود» (صفوی، ۲۴). نشانه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی مدیون «پیرس» است هم‌زمان با او فردینان دوسوسور علم جدیدی را طراحی کرد که به بررسی زندگی نشانه‌ها در متن زندگی اجتماعی می‌پردازد که به آن «سمیولوژی» (نشانه‌شناسی) لقب داد. «مفهوم نشانه‌شناسی پیش از هر چیز ریشه در مفهوم نشانه دارد، خود این واژه به اصطلاحات seminoma ،semanomenon (دالّ، مدلول) برمی‌گردد که توسّط فیلسوفان رواقی در زبان‌شناسی یونان باستان در قرن‌های دوم و سوم پیش از میلاد استفاده می‌شد. دو هزار سال بعد در آثار فردینان دوسوسور تکامل یافت. بنابراین نشانه‌شناسی می‌تواند به مطالعه‌ی عامّ نشانه‌ها تعریف شود. امّا محدودیّتی وجود دارد که بیشتر اوقات در تاریخ این برداشت از نشانه مشهود بوده‌است و آن این که این برداشت تمایل داشته تا مفهومی جزءنگر بماند. نشانه تمایل داشته تا چیزی منفرد یا چیزی در ذات خود باشد پیش از این که در فکر ارتباط با دیگر نشانه‌ها باشد پیش از هر چیز به تنهایی وجود دارد. حتّی در کارهای سوسور به‌رغم برداشت ژرف‌اش از زبان به مثابه مجموعه‌ای از روابط، هم‌چنان این برداشت به نسبت جزءنگر از نشانه‌ی زبانی را خواهید دید. بدان دلیل، می‌خواهم این تعریف از نشانه‌شناسی را اصلاح کنم و بگویم به جای تلقی آن به‌مثابه مطالعه‌ی نشانه‌ها مایل‌ام تا آن را مطالعه‌ی نظام‌های نشانه و به عبارتی مطالعه‌ی معنا در عامّ‌ترین مفهوم‌اش بدانم» (هلیدی، ۴۹ــ۵۰).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

رویکرد کلّی در مطالعه‌ی زبان رویکردی است که بر اجتماع و نقش‌های اجتماعی تأکید دارد. عبارت «زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی» ویژگی بارز رویکردی است که ما شاهد آن هستیم. اصطلاح «نشانه‌شناسی اجتماعی» می‌تواند بیانگر ایدئولوژی همگانی یا نظرگاهی عقلانی، یعنی دیدگاهی مفهومی در این خصوص، به حساب آید. امّا همزمان معانی ضمنی‌ای هم از این دو واژه استنباط می‌شود: نشانه‌شناسی و اجتماعی. دانشی که به بررسی و تحلیل روابط فراتر از جمله می پردازد زبان شناسی متن نامیده می‌شود. «زبان‌شناسی متن یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید زبان‌شناسی است. وظیفه‌ی این شاخه از زبان‌شناسی، بررسی آن دسته از قواعد زبانی است که عناصر زبانیِ فراتر از مرز جمله را در بر می‌گیرد؛ به عبارتی دیگر، در زبان‌شناسی متن، واحدهای زبانی در سطح واژه یا جمله توصیف نمی‌شوند، بلکه در سطح متن تحلیل می‌شوند (البرزی، ۱۳). زبان‌شناسی متن شاخه ای از زبان شناسی و تحلیل گفتمان است که بر مطالعهٔ متن ها و نظام حاکم بر متون نوشتاری تأکید دارد و بیشتر به انسجام ساختاری متن مربوط می شود.

زبان‌شناسی نقش‌گرا یا کاربردی از رویکردهای مهمّ نظری در زبان‌شناسی است که در مقابل زبان‌شناسی فرمالیستی قرار دارد. در این رویکرد، نقش‌های اجتماعی و بافتی زبان مورد تاکید قرار می‌گیرد. دستور نظام‌مند یکی از زیر مجموعه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا است که مایکل هلیدی زبان شناس بریتانیایی و همسرش رقیه حسن استاد زبان شناسی توسعه دهنده دستور زبان نقش گرای نظام بنیاد هستند. هلیدی و حسن با هم آثار زیادی را در زمینه ی زبان شناسی نظام مند منتشر کرده اند. ارائه ی معیارهای دقیق برای تشخیص وجود یا عدم وجود انسجام در یک متن یا گفتار کاری دشوار است امّا این کار سخت را هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ با طرح نظریّه ی انسجام انجام دادند. هلیدی در نظریّه‌ی خود، نظام صوری زبان را با نظام نقشی و معنایی دریافت متن مورد بررسی قرار داد (کارکرد محور). در این دیدگاه، زبان یک نهاد اجتماعی بشری است و کارکرد اصلی زبان برقراری ارتباط میان انسان‌ها برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم ذهنی به یکدیگر است. در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

این نظریّه در چارچوب نقش‌گرایی به شکل سازمان‌یافته و نظام‌مند به تجزیه و تحلیل متون ادبی پرداخته می‌شود. بنابراین دو مفهوم اساسی و بنیادین در این دیدگاه وجود دارد که نام این رویکرد از آنها اخذ شده‌است این دو مفهوم عبارتند از: نظام و نقش. امتیازات رویکرد «هلیدی» به دستور، یکی مبنای معنایی این دستور است و به کارگیری اصول دستوری را نیز نفی نمی‌کند. به عبارت دیگر کارکرد محور است نه دستور محور. امتیاز دیگر دستور نظام بنیاد هلیدی، عدم توجّه صِرف به زبان نوشتاری است یعنی به هر دو صورتِ نوشتاری و گفتاری اهمیّت می‌دهد. و سومین امتیاز این رویکرد، حرکت در سراسر لایه‌های متن را امکان‌پذیر می‌داند.

صحیفه سجّادیّه بعد از قرآن کریم و نهج‌البلاغه در بالاترین سطح بلاغت و فصاحت قرار دارد. کثرت شارحان و محقّقان این کتاب نشانگر اهمیّت کتاب صحیفه سجّادیّه نزد بزرگان و اندیشمندان اسلامی است. این کتاب یکی از مهمّ ترین متون ادبی، شایستهٔ تحلیل و بررسی است. با توجّه به این که در بارهٔ قرآن کریم و نهج البلاغه پژوهش های زیادی انجام شده است و با عنایت به این که کتاب صحیفهٔ سجّادیّه بعد از قرآن و نهج البلاغه از مهمّ‌ترین و باارزش ترین کتب دینی در بین شیعیان و علاقه مندان است ضروری می نماید که در مورد این کتاب نیز تحقیق و تحلیلی بر اساس یکی از نظریّه‌های معاصر یعنی زبان شناسی نظام‌مند نقشی صورت گیرد. پیرامون ابزارهای انسجام متنی و هماهنگی کلمات در متون دینی و ادبی، تحقیقات زیادی انجام شده‌است از پیشیهٔ بحث مذکورچنین برمی‌آید[۱] که

---

۱. ۱ت کریمی‌فرد، غلامرضا (۱۳۷۵)، نکات بلاغی در صحیفه سجّادیّه، *فصلنامه مشکاة*، شماره۵۳. ۲- کریمی‌فرد، غلامرضا (۱۴۲۶ هـ‌ق)، الجمالیّة فی الصحیفة السجّادیّة، *مجلة العلوم الانسانیّة*، شماره۱۲. ۳- تجلیل، جلیل (۱۳۸۴)، نیایش دوم صحیفه سجّادیّه و تلمیحات قرآنی و نکات ادبی آن، *نشریّه سفینه*، شماره۹. ۴- خانجانی، علی‌اوسط (۱۳۸۴)، شکوه تعبیر و صحیفه سجّادیّه، *فصلنامه‌ی اندیشه دینی*، دانشگاه شیراز، شماره۱۵. ۵- ابن الرسول، سیّدمحمّدرضا؛ مظفّری، صدّیقه (۱۳۸۷)، آرایه‌های بدیعی در صحیفه سجّادیّه، *فصلنامه کاوش‌نامه*، ضمیمه‌ی شماره۱۷. ۶- رسولی، حجّت و مجتبی ترکاشوند (۱۳۹۱)، تجلّی صور خیال در صحیفه سجّادیّه، زیباترین اثر دعایی شیعه، *فصلنامه ادبیّات دینی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیّه قم شعبه خراسان رضوی)، شماره۲. ۷- محمّدی بایزیدی، مجید؛ متّقی‌زاده، عیسی و علی‌رضا محمّدرضایی (۱۳۹۲)، التقابل فی الصحیفة السجّادیّة و اثره فی الانسجام، *مجلّة دراسات فی اللغة العربیّة و آدابها* (مجلّة←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

پژوهشی مستقل در بارهٔ عنصر انسجامی حذف در صحیفهٔ سجادیّه بر اساس نظریّهٔ مایکل‌هلیدی و رقیّه‌حسن صورت نگرفته است. لذا در این پژوهش عامل انسجام متنی حذف بر اساس نظریهٔ انسجام مایکل هلیدی، در شش دعای صحیفهٔ سجّادیّه (۲، ۲۱، ۲۵، ۳۷، ۵۰، ۵۲) به صورت تحلیلی، توصیفی و آماری مورد بررسی قرار می گیرد و پس از تحلیل و بررسی، بسامد آن در ادعیهٔ مذکور به شکل درصد نشان داده می شود. آشنا شدن با عامل انسجام متنی حذف موجب درک عمیق تر و افزایش جذّابیّت متن صحیفه سجّادیه خواهد شد. این تحقیق می خواهد به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱ـ اشکال گوناگون «حذف» در صحیفهٔ سجّادیّه چیست؟

۲ـ علّت وقوع «حذف» و نقش آن در انسجام متنی صحیفهٔ سجّادیّه چگونه است؟

۳ـ بسامد عامل انسجامی «حذف» در این کتاب بزرگ دینی چیست؟

۱ـ انسجام در زبان‌شناسی

اما قبل از پاسخ به سؤالات یاد شده شناخت برخی از مفاهیم کلیدی در راستای انسجام ضروری است.

روابط انسجامی میان عناصر زبانی از مواردی است که زبان‌شناسان نقش‌گرا به بررسی آن می‌پردازند. ویژگی مهمّ و برجستهٔ یک متن انسجام(پیوستگی) است که متن را یکپارچه و متّحد می‌کند. انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی در متن اشاره دارد و متن را از غیر متن متمایز می‌سازد. انسجام عبارت است از تفسیر و تعبیر یک عنصر با توجّه به عنصر دیگر در متن به عقیده برخی از محققان انسجام، ارتباط دستوری، واژگانی

← دولیّهٔ محکّمهٔ)، جامعهٔ سمنان ـ ایران و جامعهٔ تشرین ـ سوریهٔ، العدد الخامس‌عشر. ۸- خلف، حسن؛ آباد،مرضیه؛ سیّدی، سیّدحسن و بلاسم محسنی(۱۳۹۳)، تحلیل زیبایی‌شناختی تصویرهای هنری و موسیقایی صحیفه سجّادیّه(مطالعه موردی دعاهای۲۳،۲۴،۲۵)،*مجلّه‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره۳۳. ۹- وطن خواه، مطهّره، «بررسی عناصر انسجام متن در پنج دعا از صحیفهٔ سجّادیّه»، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی (دانشکدهٔ ادبیّات و علوم انسانی)، ۱۳۹۴، تهران.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

و آوایی میان عناصر درون یک متن است که بـه وسـیله‌ی آن، مـتن یکپارچـه و معنـی‌دار می‌شود. «نخستین معیار از اصول هفتگانـه‌ی سـازنده‌ی متنیّـت "انسـجام" اسـت کـه بـه چگونگی پیوندِ معنی‌دارِ متقابلِ میان مؤلّفه‌های رومتن یا متن ظـاهری و عیـان ـ در واقـع همان لفظ‌هایی که می‌شنویم یا می‌بینـیم ـ مربـوط مـی‌شـود» (ساسـانی، ۱۳۴). أعضـاء و واحدهای جمله‌های متن از طریق روابط معنایی به یکدیگر پیوند می‌خورند و این ارتبـاط معنایی موجب انسجام پیام‌های متن می‌شود. و به نظر محققـی دیگـر: «"انسـجام" ملاکـی است که سبب می‌گردد بتوانیم رابطهٔ میان واحدهای واژگانی درون یـک مـتن را دریـابیم. بنابراین اگر ما بتـوانیم واحـدهای درون یـک مـتن را از طریـق یکـدیگر تعبیـر کنـیم، از "انسجام" برخوردار خواهد بود» (صفوی، ۳۰۹). انسـجام بـه چگـونگی پیونـدِ معنـی‌دارِ متقابلِ میانِ مؤلّفه‌های رومتن یا متن ظاهری و عیان مربوط می‌شود و ایـن پیونـد از نـوع وابستگی دستوری و درون متنی است. «در عصر اخیر، فیلسـوف امریکـایی پیـرس معیـار جمالی را به همین «انسجام» و «وحدت» و «یکپارچگی» باز گرداند: شیء زیبا دارای ابعاض و اجزایی است که به عنوان یک کل عمل می‌کنند و انسـجام از رهگـذر نظمـی در روابـط اجزای این کل با یکدیگر بوجود می‌آید» (شـفیعی کـدکنی، ۳۷۴ــ۳۷۵). مبحـث انسـجام توسّط مایکل‌هالیدی و رقیه‌حسن طرح شد و امروز همـه، بحـث انسـجام را بـا نـام آنـان می‌شناسند. «در هر صورت، آنچه "مایکل هلیدی" و "رقیّه حسن" در بارهٔ مسـألهٔ نظـم و نظام گفته‌اند به طور کلّی همان است که بلاغیّون عرب علی الخصوص عبد القاهر جرجـانی قبلاً گفته بودند» (نورعوض، ۸۹). مفهوم مهمّ در انسجام یک متن پیوند انسجامی است و آن ارتباط معنایی میان اعضاء و اجزای یک متن است. «هالیدی معتقـد اسـت کـه انسـجام بـه صورت بالقوّه در عناصر نظام زبانی همچون ارجاع، حذف، جانشینی و ... کـه درون زبـان قرار دارند، نهفته است، امّا عینیّت یافتن آن در هر مورد، بـه انتخـاب گزینـه‌هـایی از ایـن عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل گرفتنِ «گـره» (Tie) و آن‌گاه ارتباط این عناصر با یکدیگر به صورت «زنجیره» (Chain) منجـر مـی‌شـود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

آنچه یک عنصر را با دیگر عنصرهای انسجامی مربوط می‌کند، گره نامیده می‌شود» (خامه‌گر، ۷). ویژگی بارز هر متن پیوستگی و انسجام آن است که متن‌ها را یکپارچه و متّحد می‌کند. «ظاهراً انسجام، معیار غالب متن بودگی است. به عبارتی دیگر، انسجام برای پیدایش متن، از مهم‌ترین عوامل به‌شمار می‌رود. حتّی هنگامی که سایر معیارهای متن تحقق نیافته باشند، چنان چه انسجام موجود باشد، متن درست است» (البرزی، ۱۸۹). پیوستگی همان روابطی است که معانی یک متن را به یکدیگر پیوند می‌زند و هر متنی در صورتی انسجام می‌یابد که این ارتباط معانی در آن برقرار باشد. «سهم مهمّ در پیوستگی یک متن، ازآنِ انسجام است: یعنی مجموعه‌ای از منابع زبان‌شناختی که هر زبانی (به عنوان بخشی از فرانقش متنی) در اختیار دارد و از آن برای پیوند یک بخش از متن به بخش دیگر استفاده می‌کند» (هلیدی، ۱۲۶). و این منابع زبان‌شناختی عبارتند از: ۱ـ ارجاع ۲ـ جایگزینی ۳ـ حذف ۴ـ ادات ربط ۵ـ انسجام واژگانی. این‌ها روابط معنایی هستند که بخش‌های مختلف متن را به یکدیگر ربط می‌دهند. «مفهوم بسیار مهمّ در بحث از بافتار، پیوند است و لازمه‌ی پیوند، داشتن دو عضو است و این اعضاء نمی‌توانند در پیوند با هم باشند مگر این که رابطه‌ای بین آنها برقرار باشد و ماهیّت این ارتباط، معنایی است: این دو اصطلاح پیوندی از طریق رابطه‌ای معنایی به هم مرتبط‌اند.. چنین روابط معنایی مبنای انسجام پیام‌های متن را تشکیل می‌دهد» (همانجا، ۱۶۸ و۱۶۹). «مقصود از "اتّساق" همان انسجام و یکپارچگی شدید میان اجزای تشکیل دهنده‌ی متن یا گفتمان است و در آن ابزارهای زبانی و صوری مورد توجّه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، انسجام به عناصر دستوری، واژگانی و آوایی مربوط می شود که در انسجام ظاهری متن به وسیله ی عوامل صریح زبانی و متنی نقشی ایفا می کنند، مانند: ارجاع، جایگزینی، حذف و ...» (خطابی، ۵). انسجام به چگونگی پیوندِ معنی‌دارِ متقابلِ میانِ مؤلّفه‌های رومتن یا متن ظاهری و عیان مربوط می‌شود. این پیوند از نوع وابستگی دستوری و درون متنی است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

۲ـ انسجام متنی

مجموعه‌ی روابط بین جمله‌ای متن، انسجام متنی نامیده می‌شود. اصطلاح «انسجام متنی» در تحلیل زبانی و نشانه‌شناختی متن حائز اهمیّت است. وحدت متنی زبانی، انسجام متنی را ایجاد می‌کند. در زمینه‌ی انسجام متنی، الگوی مایکل هالیدی و رقیه حسن (۱۹۷۶) مهم‌ترین الگواست. هالیدی کسی است که در زبان انگلیسی در باره‌ی ساختمان متنی و روابط میان جمله‌ای متن پژوهش‌های زیادی را انجام داده‌است. از نظر او متن وحدت زبانی و ارتباطی خاصّی است. انسجام مرتبط با سطح زبانی متن که آن را انسجام متنی می‌نامیم، شرط تحقّق متنیت است. برای این که مجموعه‌ای از جملات و نشانه‌ها یک متن را تشکیل بدهند، باید انسجام و سازگاری خاصّی با هم داشته‌باشند، لذا گاهی گفته می‌شود این انسجام شرط «متنیّت» است. «انسجام دستوری برای کارآمدی نیازمند حمایت انسجام واژگانی است و انسجام واژگانی برای کارآمدی نیازمند حمایت انسجام دستوری است» (رقیه حسن، ۱۸۵ـ۱۸۶).

انسجام متن در دو سطح قابل بررسی است: ۱ـ سطح معناشناسی ۲ـ سطح کاربردشناسی.

سطح معناشناسی (معنای سمانتیک): به روابط انسجام درون‌زبانی مربوط می‌شود و آن همان معنای نشانه در زبان است(معنای لغوی).

سطح کاربردشناسی (معنای پراگماتیک): با عوامل بیرون از زبان ارتباط دارد، همان معنایی که در کاربرد پیدا می‌کند و با مقصود کاربران و موقعیّت و شرایط کاربرد ارتباط دارد (معنای کاربردی).

۳ـ انسجام دستوری (نحوی) و جایگاه حذف از نظر علمای بلاغت

با کمک عناصر نحوی موجود در جمله های متن و ایجاد ارتباط و پیوند میان عبارات، انسجام دستوری حاصل می‌شود. إرجاع، حذف و جای‌گزینی از عوامل مهمّ در خلق انسجام نحوی در متن محسوب می‌شوند. اما در این مقاله عامل انسجام حذف در دعاهای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

صحیفهٔ سجّادیّه، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. اما قبل از آن توجه به دیدگاه علمای بلاغت در خصوص جایگاه حذف امری ضروری است.

٤ـ «حذف» در بلاغت (علم معانی)

تفتازانی در کتاب «شرح المختصر» مبحث ایجازِ حذف پس از ذکر مثال‌هایی در مورد انواع حذف (مضاف، صفت، فعل شرط، جواب شرط، جمله) و مطرح ساختن برخی دلائل حذف بیان می‌کند که «حذف دو نوع است: أ- حذفی که چیزی به جای محذوف نمی‌آید بلکه به قرینه اکتفا می‌شود، مانند مثال‌هایی که ذکر گشت. ب- حذفی که چیزی دیگر به جای آن قرار می‌گیرد، مانند: «وَ إن یُکَذِّبوک فقد کُذِّبت رُسل من قبلک» بنابراین جملهٔ «فقد کذّبت» جواب شرط نیست زیرا تکذیب پیامبران مقدَّم بر تکذیب اوست بلکه آن علت و سببی برای مضمون جواب شرط محذوف است که به جایش آمده است یعنی فلا تَحزن واصبِر» (تفتازانی، ۲۷۷). عبد القاهر جرجانی در دلائل الاعجاز (۲۲۳) در مورد عنصر حذف می‌گوید: «حذف شیوه و سبکی دقیق و پیچیده است و آن موضوع عجیبی شبیه سحر و جادو است زیرا در آن نیاوردن را فصیح‌تر و رساتر از آوردن می‌بینی».

۵ـ ارتباط حذف و انسجام در زبان‌شناسی

یکی از ابزارهای انسجام در زبان‌شناسی متن، حذف است و آن عبارت است از حذف کردنِ یکی از عناصر متن یا یک ترکیب کامل به قرینه لفظی یا معنوی است. عنصر حذف در زمینه‌های مختلف از جمله نحو، بلاغت و زبان مورد بحث و پژوهش قرار می‌گیرد. حذف نحوی مربوط به قواعد نحوی است و حذف بلاغی بر اساس اهداف علم بلاغت صورت می‌گیرد و حذف زبانی بین دو جمله یا بیشتر برای خلق ارتباط پدید می‌آید و در نهایت موجب هماهنگی و انسجام در متن می‌شود و این موضوعی است که نخستین بار توسط مایکل هلیدی و رقیّه حسن مطرح گشت. حذف در رویکرد هلیدی و حسن به عنوان یکی از عوامل انسجام، از این رو مورد توجّه قرار گرفته است که ما در متن، یک

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

عنصر پیش‌انگاشت داریم یعنی قبلاً چیزی ذکر شده و شناسانده شده است یعنی مرجع آن پیش از خود آن آمده است سپس حذف صورت گرفته است در واقع به صورت نظام‌مند میان متن ارتباط برقرار شده است. لذا حذف یک رابطهٔ پس رو و درون متنی محسوب می‌شود و آن نه تنها خلل و ایرادی در بافت و معنی متن ایجاد نمی‌کند بلکه روانی و انسجام متن را در پی دارد به خاطر این که ذهن مخاطب و خواننده در تلاش است با رجوع به ترکیبات و قرائن قبلی شکاف ایجاد شده را پر کند تا مشکل برطرف گردد و این سعی و تلاش ذهن برای خلق ارتباط میان عناصر متن موجب انسجام و پیوستگی می شود. «تفاوت میان دو عامل انسجامی حذف وجای‌گزینی در این است که در جانشینی، عنصری به جای عنصری دیگر می‌آید امّا در حذف به جای عنصر محذوف، عنصر دیگری نمی‌آید بلکه هیچ (صفر) جانشین آن می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۴۴). عنصر محذوف ردّپایی از خود در متن به جا می‌گذارد تا خواننده به کمک قرائن موجود در متن، عنصر یا عناصر حذف شده را دریابد کاربرد حذف در واقع توجّه خواننده را به اطلاعات جدید جلب می‌کند و برای استمرار مطالعه در او علاقه و اشتیاق ایجاد می‌کند. «به دلیل متأخّر بودن حادث از عدم، حذف مقدّم بر ذکر است ... و از فایده‌های حذف، بزرگ داشتن و مهمّ دانستن است به خاطر ابهامی که در آن است و به این علّت که ذهن بشر به هر طرف کشانده می‌شود ... هر زمان درک محذوف دشوارتر باشد لذّت بخشی‌اش زیادتر می‌شود و به سبب تلاش و کوشش برای درک آن، پاداش و بهره افزایش می‌یابد» (الکفوی، ۳۸۴). انسجام حاصل از عامل حذف ناشی از این واقعیت است که خواننده برای ایجاد ارتباط سعی می‌کند تا جای خالی حذف را پر کند و با تلاش و کوشش مستمر خود به درک و فهم معنای متن دست می‌یابد. «پیوند حذف یکی از ابزارهای اتّصال متون است در این ابزار، ارجاع متن از طریق خلاءها پدید می‌آید، عدم حضور واژه‌ها باعث راهنمای کنکاش (جست‌وجوگر) حذف می‌شود» (البرزی، ۱۶۴). هر چه امکان حذف در کلام بیشتر باشد ارتباط اجزای کلام افزایش می‌یابد در نتیجه انسجام متن بیشتر می‌گردد. «حذف نوعی عامل انسجام است یعنی در واقع مورد خاصّی از جایگزینی است که در آن هیچ را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

جایگزین یک عبارت [یا کلمه] می‌کنیم» (کرول، ۲۵۶ـ۲۵۷). «حذف در سطح یک جمله موجب یکپارچگی و انسجام نمی‌شود بلکه آن در سطح بیشتر از یک جمله ایجاد انسجام می‌کند» (بوسته، ۶۶). مانند: «وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ ما یُصْلِحُنی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی ما ذَکَرْتُ مِنْهُ وَ ما نَسیتُ، اَوْ اَظْهَرْتُ اَوْ اَخْفَیْتُ اَوْ اَعْلَنْتُ اَوْ اَسْرَرْتُ» (بر من منّت گذار با هر چه که در دنیا و آخرتم موجب اصلاح حالم شود چه آنها که یاد کرده و چه آنها که از یاد برده‌ام آشکار کرده یا پنهان نموده‌ام: دعای ۲۵). در این مثال نخست کلمات «منه» از جمله‌ی «ما نسیت» به قرینه لفظی حذف شده‌است سپس کلمات «ماومنه» نیز در جمله‌های بعدی به قرینهٔ لفظی حذف گردیده‌است و این حذف به صورت افزایشی (ابتدا «منه» سپس «ما و منه») صورت گرفته و در انسجام بخشی به متن نقشی مهم ایفا کرده است. وقتی حذفی در متن صورت می‌گیرد خواننده جای خالی محذوف را با توجّه به قراین موجود، در ذهن خود کامل می‌کند در واقع وی در پیوند دادن اجزای متن به یکدیگر سهیم می‌شود و از خواننده صرف به یک خواننده فعّال در می آید و در خلق متن شریک می شود بنابراین نقش اساسی حذف به عنوان یکی از عوامل انسجام متون آشکار می گردد. اگر موارد محذوف ذکر می‌شد آن انسجام و هماهنگی مورد انتظار ایجاد نمی‌شد و به قول جرجانی این چه رازی است که گاهی نیامدن، بهتر و مؤثّرتر از آمدن است.

هلیدی و رقیه حسن، انواع حذف را به صورت زیر بیان کرده اند:

۱ـ حذف اسم: اسمی از درون متن با قرینه حذف می شود، مانند: أیُّ قُبَّعَةٍ سَتَلبِسُ؟ هذه هی الأحسن. یعنی در واقع «هذه القبعة» بوده است که واژهٔ «القبعة» از جمله حذف شده است.

۲ـ حذف فعل: فعلی از داخل متن حذف می شود، مانند: هل کُنتَ تسبحُ؟ نعم.

۳ـ حذف جمله یا شبه جمله: آن حذف جمله یا شبه جمله از متن است، مانند: کَم ثمنُهُ؟ خمسهٔ جنیهات (خطابی، ۲۲). با این دسته‌بندی به بررسی انواع حذف در صحیفه سجادیه می‌پردازیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

۶ـ حذف اسم در ادعیهٔ مورد پژوهش صحیفهٔ سجّادیّه

حذف اسمی در صحیفهٔ زیاد است از جمله: «وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ ما یُصْلِحُنی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی ما ذَکَرْتُ مِنْهُ وَ ما نَسیتُ، اَوْ اَظْهَرْتُ اَوْ اَخْفَیْتُ اَوْ اَعْلَنْتُ اَوْ اَسْرَرْتُ» (بر من منّت‌گذار با هر چه که در دنیا و آخرتم موجب اصلاح حالم شود آنچه یادآور شده‌ام و آنچه که از یاد برده‌ام، آشکار نموده یا پنهان کرده‌ام، اعلام کرده یا پوشیده گذاشته‌ام: دعای۲۵)، در این عبارات ضمیر متّصل «هـ» در پنج جمله که نقش متمُمی دارد و اسم موصول «ما» در چهار جمله که از نظر اعراب تابع ما قبل خود است به قرینهٔ لفظی حذف شده‌اند. خواننده برای دریافت معنی و پر کردن جای خالی کلمات محذوف به سراغ جملات و کلمات قبلی می‌رود تا فهم موضوع حاصل شود لذا وقتی حذفی در متن صورت می گیرد خواننده جای خالی محذوف را با توجّه به قراین موجود، در ذهن خود کامل می کند در واقع وی در پیوند دادن اجزای متن به یکدیگر سهیم می شود و از خواننده صرف به یک خواننده فعّال در می آید و در خلق متن شریک می شود بنابراین نقش اساسی حذف به عنوان یکی از عوامل انسجام متون آشکار می گردد. و مانند: «فَمَن غَفَرتَ لَهُ فَبِطَولِکَ، و مَن رَضیتَ عَنهُ فَبِفَضلِکَ» (پس هر کس را آمرزیده‌ای به احسانت بوده و از هر که راضی گشته‌ای به فضل و توانت بوده‌است: دعای۳۷)، در این جملات شرطی ضمیر «هو» در دو جمله که در هر دو نقش مبتدا را دارد حذف شده است یعنی تقدیر به این شکل است: «فَهو بِطَولِکَ» و «فهو بِفضلک»، خواننده با کمک حرف ربط واقع در جواب شرط(ف) و با رجوع به جمله‌های قبلی ضمایر محذوف را بازیابی می‌کند و با برقراری این ارتباط و پیوند طبق نظر هلیدی انسجام و پیوستگی حاصل می‌گردد. و مثل «سبحانک، ماأعظَمَ شأنَکَ، و أقهَرَ سُلطانَکَ، و أشَدَّ قُوَّتَکَ، و أنفَذَ أمرَکَ» (پاک و منزّهی، چه والا است مقامت، و چه نفوذناپذیر است قدرتت، و چه سهمگین است نیرویت، و چه نافذ است فرمانت: دعای ۵۲)، در این دعا، واژهٔ «ما» از ابتدای جمله‌های سوم، چهارم و پنجم به قرینهٔ لفظی حذف گردیده است. حذف با کمک حرف ربط، متن را یکپارچه و متّحد ساخته است و در پیوند

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

دادن اجزای متن به یکدیگر و ایجاد پیوستگی، نقشی مهمّ ایفا کرده است. در واقع حذفِ عناصر در متن، تعامل میان خواننده و متن را افزایش می دهد و همین ارتباط زیاد بین مخاطب و متن و تلاش برای کشف معانی، کنجکاوی و علاقهٔ خواننده را افزایش می دهد و در نهایت موجب هماهنگی بیشتر و انسجام در متن می‌شود.

جدول ۱ـ بسامد حذف اسم در ادعیهٔ مورد پژوهش

دعای ۲	«فخـتم بنـا علـی جمیـع مـن ذرأ»(ذَرَأَهـم)- «و جعلنـا شـهداء علـی مـن جحد»(جَحَدَهُ).	۲مورد
دعای۲۱	«بما تحبّ و ترضی»(تحبّهُ و ترضاهُ)- «لم أقدر علی ما عندک»(هو عنـدک)- «لا أنال ما عندک»(هو عندک)- «فیما عندک»(هو عندک).	۵مورد
دعای۲۵	« ما ذَکَرْتُ مِنْهُ وَ ما نَسیتُ، اَوْ اَظْهَـرْتُ اَوْ اَخْفَیْـتُ اَوْ اَعْلَنْـتُ اَوْ اَسْـرَرْتُ»(مـا نسیت منه و ما أظهرت منه و ما أخفیت منه و ما أعلنت منه و ما أسررت منه).	۹مورد
دعای۳۷	«فمن غفرت له فبطولک»(فهو بطولک)- «و من رضیت عنـه فبفضـلک»(فهـو بفضلک)- «لمـن عاقبـتَ»(عاقبتـه)- «علـی مـن عافیـتَ»(عافیتـه)- «عمّـا استوجبتَ»(استوجبته)- «لا من؟»(من: مبتدأ و خبره محذوف تقدیره: هو).	۶مورد
دعای۵۰	«و قد تقدّم منّی ما قد علمت»(قد علمته)- «فلو لا المواقـف»(موجـود)- «یـا ربِّ»(ربّی)- «و لو أنّ عذابی ممّا یزید»(أنّ عذابی ممّا یزیـد: فـی محـلّ رفـع مبتدأ لخبر محذوف تقدیره: موجود).	۴مورد
دعای۵۲	«و أقهرَ سلطانک»(ما أقهر)- «و أشدَّ قوّتَک»(ما أشدَّ)- «و ما أنفذَ أمرَک»(ما أنفذَ)- «و إنّی أُصبح و أمسی ... »(خبر أصبح محذوف).	۴مورد

طبق جدول شمارهٔ ۱ از مجموع ۳۰ مورد عنصر انسجامی حـذف اسـم، دعـای ۲۵ بـا بسامد ۹ مورد بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است و دعای ۲ با ۲ مورد حـذف، کمترین بسامد را داراست. حذف یکی از عوامل انسجام نشان از ایجازِ نثر صحیفهٔ سـجّادیّه و کوتاه بودن جمله‌های آن است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

۷ـ حذف فعل در ادعیهٔ مورد پژوهش صحیفهٔ سجّادیّه

حذف فعل در کلّ، نسبت به موارد دیگر (حذف اسم، جمله، شبه جمله و حرف) در دعاهای صحیفه سجّادیّه بیشتر است، مانند: «وَ اجعَل تقواکَ من الدنیا زادی، وَ إلی رحمَتِکَ رِحلتی، وَ فی مَرضاتِکَ مَدخَلی» (تقوایت را رهتوشه من از دنیا و سفرم را به وادی رحمت خود و داخل شدنم به عرصه خوشنودی‌ات قرار ده: دعای۲۱)، در این دعا کلمهٔ «رحلتی» مفعول به دوم برای فعل محذوف (اجعل) است و ترکیبِ «مدخلی» نیز مفعول به دوم برای فعل محذوفِ (اجعل) است که آن افعالِ محذوف به قرینهٔ لفظی و معنوی واقع شده است. در حقیقت فعل محذوف، جملهٔ پیشین را با کمک حرف عطف به جمله های پسین ربط داده است و با ایجاد این ارتباط و اتّصال یک متن هماهنگ، متّحد، پیوسته و منسجم آفریده شده است. و مانند: «إنّکَ طالبی إن أنا هَرَبتُ و مدرکی إن أنا فَرَرتُ» (بی‌شک تو طالب من هستی اگر بگریزم و مرا گیرنده‌ای اگر فرار کنم: دعای۵۰)، در این عبارات دو ضمیر مذکور «أنا» فاعل برای فعل محذوف هستند که فعل‌های «هربت و فررت» مذکور تفسیرکننده و قرینهٔ آن افعال حذف شده هستند. بنابراین حذف فعل نیز موجب تقویت روابط میان جمله‌های متن و در نتیجه موجب خلق انسجام می‌شود لذا آن یکی از مهمّترین عوامل انسجام در متن به حساب می‌آید. حذف با برقرار کردنِ پیوند میان عباراتِ پیشین و جمله‌های پسین جهتِ بازیابی کلمات محذوف باعث پیوستگی و یکپارچگی میان عناصر متن می‌گردد.

جدول ۲ـ بسامد حذف فعل در ادعیهٔ مورد پژوهش

دعای۲	ــــــــــــــــ	–
دعای۲۱	« إلی رَحمَتِکَ رِحلتی» (اِجعَل تَقواکَ رحلتی)– «فی مرضاتِک مَدخَلی» (اِجعَل تَقواکَ مدخلی)– «و رغبتی« (اجعل)– «و أنسَ نفسی» (اجعل)– «و استغنائی» (اجعل)– «و کفایتی»(اجعل)– «و لا غافلاً» (لا تجعل)–«و لا آئسا» (لا تجعل)– «أو ضرّاءَ» (کنت فی)– «أو شدّةٍ» (کنت فی)– «أو رخاءٍ» (کنت فی)– «أو عافیةٍ» (کنت فی)– «أو بلاءٍ» (کنت فی)– «أو بؤسٍ» (کنت فی)– »أو نعماءَ« (کنت فی)– »أو جِدَةٍ» (کنت فی)– «أو لَأواءَ» (کنت فی)– «أو فقرٍ» (کنت فی)– «أو غِنیً» (کنت فی)– «و مدحی إیّاکَ» (اجعل)– «و حمدی لکَ» (اجعل).	۲۱مورد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

دعای۲۵	«و بإصلاحهم» (مُنَّ)- «و بإمتاعی» (مُنّ)- «و أدیانَهم» (أصِحَّ)- «و أخلاقَهم» (أصحّ)- «و فی جوارحهم» (عافِ)- «و فی کلّ ما» (عافِ)- «حَدِیبنَ» (مفعول به دوم برای فعل محذوف)- «و فی الآخرهٔ حسنهٔ» (مفعول به دوم برای فعل محذوف).	۸ مورد
دعای۳۷	«سبحانک» (اُسَبِّحُ).	۱مورد
دعای۵۰	«إن أنا هربتُ» (ضمیرِ أنا فاعل برای فعل محذوف است)- «إن أنا فررتُ» (ضمیرِ أنا فاعل برای فعل محذوف است).	۲مورد
دعای۵۲	«سبحانک» (اُسَبِّحُ): این مورد چهار بار در این دعا آمده است.- «أن تُغنینی» (أسألُ)- «أن تُسلّی» (أسأل)- «أن تُثنینی» (أسأل).	۷ مورد

براساس جدول شمارهٔ ۲ از مجموع ۳۹ مورد عنصر انسجامی حذف فعل، دعای ۲۱ با بسامد ۲۱ مورد بالاترین بسامد را از آنِ خود کرده است و دعای ۲ بدون داشتنِ حذفی در ردیف آخر قرار گرفته است. حذف از شگردهای متن صحیفهٔ سجّادیّه برای اجتناب از تکرار مخل است و لازمهٔ دعا، درخواست و انتظار اجابت رعایت اختصار و ایجاز است.

۸ـ حذف جمله در ادعیهٔ مورد پژوهش صحیفهٔ سجّادیّه

از حذف جمله در صحیفهٔ سجّادیّه می توان به این مثال‌ها اشاره کرد: «لا یَغفُلُ إن غَفَلنا، و لا یَنسَی إن نَسینا» (غافل نمی‌شود اگر غفلت کنیم و از یاد نمی‌برد اگر فراموش کنیم: دعای ۲۵)، جواب شرط در عبارات «إن غَفَلنا» و «إن نَسینا» به قرینهٔ لفظی قبلی محذوف است که جواب شرط محذوف نخست به وسیلهٔ فعلِ «لا یغفل» و جواب شرط دوم توسّط «لا ینسی» تفسیر می‌شود، لذا طبق دیدگاه "هلیدی" و "حسن" انسجام متنی، زمانی شکل می‌گیرد که یک ابزار تلویحی با ارجاع به واحدی از متن تفسیر گردد. و مانند: «فَمتی کانَ یَستحِقّ شیئاً مِن ثوابِکَ؟ لا متی؟» (پس کی سزاوار چیزی از پاداشت می‌گردد؟ نه کی؟: دعای ۳۷)، در این مثال جملهٔ بعد از «متی» به قرینهٔ لفظی پیشین یعنی جملهٔ قبلی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

حذف شده است و عنصر حذف شده با ارجاع به منابع دیگر یعنی عناصر مذکور پیشین تفسیر و مشخّص می شود و همین ارجاع، روابط معنایی حاصل از پیوند و تفسیرِ درون متنی باعث شکل‌گیری انسجام در متن می‌گردد.

جدول ۳ـ بسامد حذف جمله در ادعیهٔ مورد پژوهش

دعای۲	«و لو کره المشرکون» (جواب لو محذوف است).	۱مورد
دعای۲۱	ـــــــــــــــــــــــــ	–
دعای۲۵	«لا یغفل إن غفلنا» (جواب شرط محذوف است)- «و لا ینسی إن نسینا» (جواب شرط محذوف است).	۲ مورد
دعای۳۷	«فَمتی کانَ یَستحِقّ شیئاً مِن ثوابِک؟ لا متی؟» (جملهٔ بعد از «متی» محذوف است)،	۱مورد
دعای۵۰	«إن أنا هربت» (جواب شرط محذوف است)- «إن أنا فررت» (جواب شرط محذوف).	۲مورد
دعای۵۲	ـــــــــــــــــــــــــ	–

با توجّه به جدول شمارهٔ ۳ از مجموع ۶ مورد عنصر انسجامی حذف جمله، دعاهای ۲۵و۵۰ هر کدام ۲ مورد و دعاهای ۲ و ۳۷ هر کدام یک مورد حذف به خود اختصاص داده است و در دعاهای ۲۱ و ۵۲ حذفی صورت نگرفته است.

۹ـ حذف شبه جمله در ادعیهٔ مورد پژوهش صحیفهٔ سجّادیّه

حذف شبه جمله نوع چهارم از انواع حذف در صحیفهٔ سجّادیّه است و مقصود از آن حذف جارّ و مجرور یا ظرف می‌باشد. مثال‌هایی از حذف شبه جمله در ادعیهٔ صحیفه: «وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِکُلِّ ما یُصْلِحُنی فی دُنْیایَ وَ آخِرَتی ما ذَکَرْتُ مِنْهُ وَ ما نَسیتُ، اَوْ اَظْهَرْتُ اَوْ اَخْفَیْتُ اَوْ اَعْلَنْتُ اَوْ اَسْرَرْتُ» (دعای ۲۵)، در این مثال ابتدا کلمات «منه» از جمله‌ی «ما نسیت» سپس کلمات «ماومنه» در جمله‌های بعدی به قرینهٔ لفظی حذف گردیده‌است (ما

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

ذکرتُ منه و ما نسیتُ أو أظهرتُ ...) و این حذف به شکل افزایشی صورت گرفته و باعث کاهش تدریجی کلماتِ متن شده است، در اینجا امام(ع) بسیار زیبا و ماهرانه یک حالت پارادوکسی ایجاد کرده است که افزایش سبب کاهش گشته است و این همان هنر ارتباط و پیوستگی میان عناصر متن است که توسّط پدیدهٔ حذف خلق شده و موجب انسجام و پیوستگی در متن گشته است. مثالی دیگر: «فی سَرّاءَ کُنتُ أو ضَرّاءَ، أو شِدَّةٍ أو رَخاءٍ، أو عافِیَةٍ أو بَلاءٍ، أو بُؤسٍ أو نَعماءَ، أو جِدَةٍ أو لأواءَ، أو فَقرٍ أو غِنیً» (در خوشی باشم یا ناخوشی، در سختی یا آسایش، در تندرستی یا ناخوشی، در تنگدستی یا توانگری، در نیازمندی یا بی‌نیازی: دعای ۲۱)، در این دعا حرف جرّ «فی» از اوّلِ کلماتِ ضَرّاءَ، شِدَّةٍ، رَخاءٍ، عافِیَةٍ، بَلاءٍ، بُؤسٍ، نَعماءَ، جِدَةٍ، لأواءَ، فَقرٍ و غِنیً با قرینهٔ لفظی حذف گردیده است و حروف عطف نیز در ربط دادن أسماء مجرور به کلمهٔ «سرّاء» سهیم شده است. و با این حذفیّات شکافی در متن ایجاد شده است و ذهن مخاطب با رجوع به عناصر مذکور پیشین جای خالی آن را پر می کند و در نتیجه ارتباطی فعّال و منسجم شکل می‌گیرد.

جدول ۴ـ بسامد حذف شبه جمله در ادعیهٔ مورد پژوهش

دعای۲	«کاشَفَ» (بالعداوة)- «وموضعِ رِجلِه» (عن موضع)- «و مسقطِ» (عن مسقط)- «و مأنسِ» (عن مأنس).	۴ مورد
دعای۲۱	«أو ضرّاءَ» (فی ضرّاء)- »أو شدّة» (فی شدّة)- »أو رخاء» (فی رخاء)- «أو عافیة» (فی عافیة)- «أو بلاء» (فی بلاء)- «أو بؤس» (فی بؤس)- «أو نعماء» (فی نعماء)- «أو جدة» (فی جدة)- «أو لأواء» (فی لأواء)- «أو فقر« (فی فقر)- «أو غنی» (فی غنی).	۱۱ مورد
دعای۲۵	«وَ ما نَسیتُ» (منه)- «اَوْ اَظْهَرْتُ» (منه)- «اَوْ اَخْفَیْتُ« (منه)- «اَوْ اَعْلَنْتُ» (منه)- «اَوْ اَسْرَرْتُ» (منه).	۵ مورد
دعای۳۷	ــــــــــــــــــــ	-
دعای۵۰	ــــــــــــــــــــ	-
دعای۵۲	ــــــــــــــــــــ	-

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

با توجّه به جدول شمارهٔ ۴ از مجموع ۲۰ مورد عنصر انسجامی حذف شبه جمله، دعای ۲۱ با ۱۱ مورد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و در دعاهای ۳۷، ۵۰ و ۵۲ حذفی واقع نشده است.

۱۰ـ حذف حرف در ادعیهٔ مورد پژوهش صحیفهٔ سجّادیّه

حرف محذوف در صحیفهٔ سجّادیّه در مقایسه با انواع دیگر حذف کمتر است، مانند: «فَإنّی امرُؤٌ حقیرٌ، و خطری یَسیرٌ» (قطعا من انسانی حقیر و ناچیزم و قدر و منزلتم پایین و اندک است: دعای ۵۰)، واژهٔ «خطر» اسمِ «إنّ» محذوف است که با عناصر و واحدهای واژگانیِ مذکور پیشین تفسیر می‌شود. و هم‌چنین کلمهٔ «یسیر» خبر برای «إنّ» محذوف با قرینهٔ لفظی است. این تفسیر و تعبیری که حذف پدیدآورندهٔ آن است و مخاطب نیز به خاطر حذفیّات صورت گرفته مجبور به تلاش و جستجو برای بازیابی و پرکردن خلأ در متن می‌شود و این وابستگی تعبیر و تفسیر برخی از عناصر زبانی به عناصری دیگر انسجام می‌آفرینند. و مانند: «اِلهی اَصبَحتُ و اَمسَیتُ عَبداً داخراً لَکَ» (خدای من، روز و شب را به سر بردم در حالی که بنده خوار و ذلیل تو بودم: دعای۲۱)، کلمهٔ «اله» در «الهی» منادی برای حرف ندای محذوف(یا) است و نزدیک بودن بیش از حدّ امام(ع) به خدای خود و علاقهٔ زیادش به خداوند متعال موجب حذف این حرف شده است تا این که ارتباط و اتّصال در سریع‌ترین زمان ممکن صورت گیرد و این بیانگرِ اتّحاد و پیوستگی متن صحیفه سجّادیّه است.

جدول ۵ـ بسامد حذف حرف در ادعیهٔ مورد پژوهش

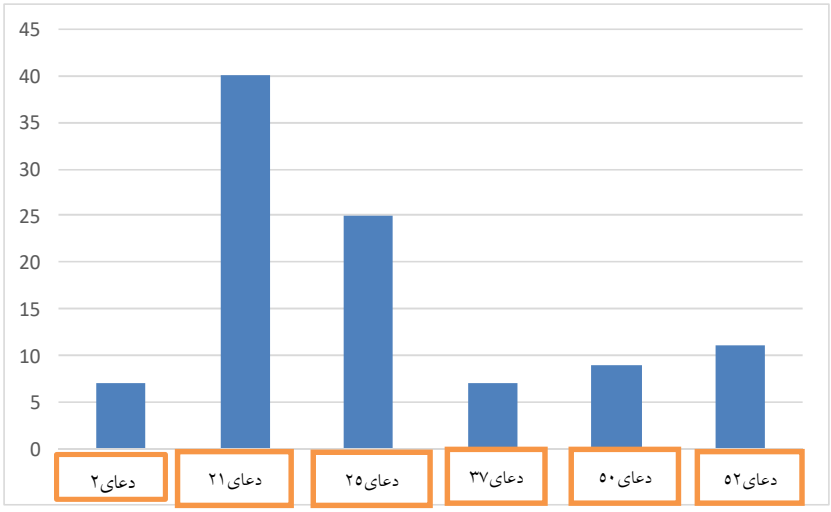
دعای۲	ـــــــــــــــــــــــ	–
دعای۲۱	«وافی الامر المخوف» (یا وافی ...)- «الهی» (یا الهی)	۲ مورد
دعای۲۵	«الهی» (یا الهی)	۱ مورد
دعای۳۷	ـــــــــــــــــــــــ	–
دعای۵۰	« و خطری یسیر » (و إنّ خطری یسیر).	۱مورد
دعای۵۲	«الهی» (یا الهی)	۱ مورد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

حذف حرف یکی دیگر از عوامل پیوستگی در متن است که به موجب آن وحدت متن و انسجام متنی حاصل می‌گردد. حذف حرف نداء در صحیفهٔ سجّادیّه نشان از نزدیکی، عشق و محبّت زیادِ ندا کننده به فردِ مورد ندایش است. امام سجّاد(ع) به خاطر علاقهٔ شدیدش به خدای متعال و برای ایجاد ارتباط سریع دست به حذف حرف ندا زده است تا در کوتاه‌ترین زمان به خواسته و محبوب خود برسد.

نمودار ۱ـ بسامد حذف در ادعیهٔ مورد پژوهش

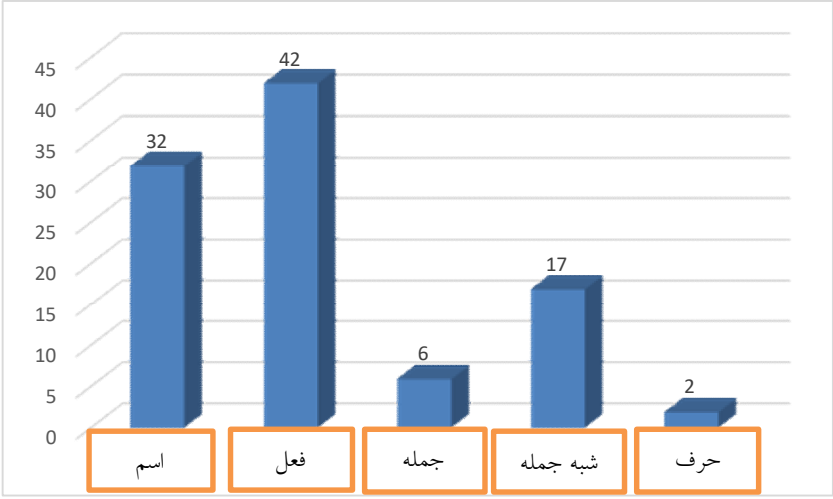


حذف یکی از عوامل پیوستگی و انسجام در متنِ صحیفهٔ سجّادیّه نشان از اختصار و ایجاز نثر این متن دینی است و این، ویژگی بارزِ جمله‌های دعایی و گفتگوهای کوتاه است به دلیل این که لازمهٔ سؤال و درخواست اجابت، کوتاه و مختصر کردن سخن است تا در کم‌ترین زمان مورد خواسته حاصل گردد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

نمودار۲ـ بسامد انواع حذف در ادعیهٔ مورد پژوهش



نمودار مذکور نشانگر بسامد اشکال مختلف حذف در ادعیهٔ مورد تحقیق است و حذف فعل و اسم به ترتیب بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. با توجّه به این که هر فعلی دارای مفاهیم گوناگون است، مانند: زمان، شخص، جنس، وجه و انجام کار یا حدوث حالت، و با عنایت به کثرت اسم و مشتقّات گوناگون آن، طبیعی است که ذکر اینها وقت‌گیر و اتلاف وقت است به این دلیل که امام(ع) تلاش می‌کند در کوتاهترین زمان با خالق هستی ارتباط برقرار کند و این علاقهٔ شدید وی به خدای بلندمرتبه و تعجیل جهت پیوند با مخاطب خود موجب حذف بیشترِ این‌گونه کلمات گشته است. زیرا «حقیقت دعا از سطح لفظ بی‌جان خارج است و در مرتبهٔ لفظ نیست، بلکه توجّه به حضور عینی درخواست است» (سلمانپور، ۲۳).

نتایج مقاله

حذف با انواعش در صحیفهٔ سجّادیّه نقشی مهمّ در انسجام و هماهنگی میان عناصر متن ایفا می‌کند. به عنوان مثال حذف در نیایش ۲۵ که جای حذف با علامت تهی مشخّص

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

گردیده است بدین صورت است: «وَ امنُن عَلَیَّ بِکُلِّ ما یُصلِحُنی فی دنیایَ وَ آخرتی ما ذَکَرتُ Ø (هُ) مِنهُ وَ ما نَسیتُ Ø (هُ) Ø (منه)، أو Ø (ما) أظهَرتُ Ø (هُ) Ø (منه) أو Ø (ما) أخفَیتُ Ø (هُ) Ø (منه) أو Ø (ما) أعلَنتُ Ø (هُ) Ø (منه) أو Ø (ما) أسرَرتُ Ø (ه) Ø (منه)» (دعای ۲۵)، با توجّه به اصل اقتصاد زبانی، حذف در این متن به صورت یک به دو و مکرّر واقع شده، و در نتیجه تعامل میان خواننده و متن افزایش یافته است به این خاطر که خواننده در تلاش است تا مطالب قبلی را در ذهن خود حفظ کند و با قسمت‌های دیگر متن مرتبط سازد لذا تعامل و درگیری برای بازیابی و برقراری ارتباط بین خواننده و متن افزایش پیدا می‌کند و در نهایت منجر به انسجام و پیوستگی متن می‌گردد. در ادعیهٔ مورد پژوهش حذف فعل و اسم بالاترین بسامد و حذف حرف کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. با بررسی انجام شده مشخص گشت که بسامد بالا در حذف فعل و شبه جمله از آنِ دعای ۲۱ و در حذف اسم برای دعای ۲۵ است.

با توجّه به اصل اقتصاد زبانی و علاقهٔ شدید امام سجّاد(ع) به پروردگار خود، امام(ع) زبان خود را موجز و فشرده بیان کرده است تا ارتباط و انتقال پیام، سریع و در کوتاه ترین زمان صورت گیرد. بنابر این جمله ها در صحیفهٔ سجّادیّه بیشترکوتاه و موجز است و این به خاطر تعجیل در درخواست حاجت، راز و نیاز، گفتگوهای عارفانه و عاشقانه با خالق هستی است. «زبان دعا از سنخ الفاظ و گویش که از صوت در فضای دهان پدید می‌آید نیست ... در زبان دعا چون مخاطب در حقیقت خداوند متعال است، الفاظ موضوعیّت ندارند» (همانجا، ۲۳). لذا پدیدهٔ حذف در متون دعایی و احساسی، زیاد صورت می گیرد زیرا لازمهٔ سؤال و اجابت در دعا، کوتاه ساختن سخن است و هم چنین در این گونه متون، روابط نزدیک تر و صمیمی‌تر است و همین مسأله اقتضاء می کند که جمله ها، بلند و طولانی نباشد تا فهم مقصود به سرعت حاصل شود و ابهامی در متن وجود نداشته باشد. بنابر این یکی از عللی که خواننده از مطالعهٔ صحیفهٔ سجّادیّه لذّت می‌برد و سریع با آن انس می‌گیرد همین موجز بودن و منسجم بودن عبارات آن است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]

کتابشناسی

۱. البرزی، پرویز، مبانی زبان‌شناسی متن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم،۱۳۹۲.

۲. بوسته، محمود، الاتّساق و الانسجام فی سورة الکهف، الجزائر ـ باتنة: جامعة الحاج لخضر باتنة، الطبعة الاولی، ۲۰۰۹م ـ۱۴۳۰هـ .

۳. التفتازانی، سعد الدین، شرح المختصر، قم: انتشارات علامه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۴. الجرجانی، عبدالقاهر، شرح دلائل الاعجاز، الشارح: محمّد ابراهیم شادی، مصر ـ القاهرة: دار الیقین، الطبعة الثانیة، ۱۴۳۴هـ ـ ۲۰۱۳مـ.

۵. الخطابی، محمّد، لسانیّات النصّ (مدخل الی انسجام الخطاب)، بیروت: المرکز الثقافی العربی، الطبعة الاولی، ۱۹۹۱.

۶. الشرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصح العربیّة و الشوارد، قم: منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، د.ط، ۱۴۰۳

۷. رازی، محمّد بن أبی بکر بن عبد القادر، مختار الصحاح، لبنان ـ بیروت: مکتبة لبنان، د.ط، ۱۹۹۶

۸. زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیّة، بیروت: منشورات دارمکتبة الحیاة، د.ط، ۱۹۹۲.

۹. سلمانپور، محمّدجواد، تحلیل زبان دعا، فصلنامهٔ اندیشهٔ دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۱۵، ۱۳۸۴.

۱۰. صفوی، کورش، آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اوّل، ۱۳۹۱.

۱۱. عاصی، میشال؛ بدیع یعقوب، امیل، المعجم المفصّل فی اللغة و الادب، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الأولی، ۱۹۸۷.

۱۲. کرول، دیویددبلیو، روان‌شناسی زبان، مترجم: حشمت‌اله صباغی، تهران: انتشارات رشد، چاپ اوّل، پاییز ۱۳۹۱.

۱۳. الکفوی، ابوالبقاء، الکلّیّات (معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویّة)، بیروت: مؤسّسة الرسالة، الطبعة الثانیة، ۱۹۹۸م.

۱۴. معلوف، لویس، المنجد فی اللغة، بیروت: دار المشرق، الطبعة الحادیة و العشرون، ۱۹۷۳.

۱۵. الهاشمی، احمد، جواهر الادب فی ادبیّات و إنشاء لغة العرب، بیروت: المکتبة العصریّه، د.ط، ۲۰۰۶ م.

۱۶. هالیدی، مایکل؛ حسن، رقیّه، زبان، بافت و متن، ترجمه: محسن نوبخت، تهران: انتشارات سیاهرود، چاپ اوّل، پاییز۱۳۹۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.8.7]